

زندگی صحنه بازیگری است

اعظم لاریجانی



در این عکس چوب خطها ژیلبر گارسن را احاطه کرده است و او سر در گریبان دارد. هیچ جای خالی برای رسم چوب خطی جدید وجود ندارد و همین به پایان اشاره می کند. گارسن نگاهی گذرا به زندگی اش دارد و روزهای رفته را می شمارد. این خطوط یکسان و شبیه به هم یادآور ملال زندگی است. زندگی که یکنواخت و مثل هم بوده است و حالا حسرت روزهای رفته را می خورد. آخرین چوب خط را روی دستش می کشد چرا که دمی دیگر از او چیزی نمی ماند جز چوب خطهایی اندوهناک.



چه توان گفت به کمانداری که همانا پیروزی او در شکست اوست.

زمین چو وزنه‌ای در
برابر آسمان مقاومت
می‌کند/ تلاش بیهوده
برای رهایی ثمری ندارد.



اشاره

یکی از رسالت‌های دبیران هنر این است که، ورای کتاب درسی، بچه‌ها را با مقوله‌های تجسمی از جمله هنر ثابت لحظه‌ها، یعنی عکاسی، آشنا کنند. در هر شاخه از هنرهای تجسمی، آشنا کردن دانش‌آموزان با آثار هنرمندان مهم و صاحب سبک در پیشرفت آن‌ها بسیار تأثیرگذار خواهد بود. از آنجا که درس هنر، در واقع، یک مقوله فرادرسی است، بازدید بچه‌ها از نمایشگاه‌ها و دیدن کتاب‌های عکس از عکاسان صاحب نام بسیار بااهمیت است. یکی از عکاس‌های فرانسوی که در زمانی نامتعارف شروع به عکاسی کرد اما بسیار در کارش موفق شد، **گیلبرت گارسن** است.

گیلبرت گارسن در سال ۱۹۲۹ در نزدیکی ماری متولد شد. وی پس از فارغ‌التحصیل شدن در رشته اقتصاد، تا زمانی که بازنشسته شد، در شرکت تولید لامپ کار می‌کرد، و تازه پس از آن بود که به عکاسی صاحب سبک و پرشور تبدیل شد. همه چیز از تابستان ۱۹۹۵ شروع شد که او در ۶۵ سالگی شروع به عکاسی کرد. به زودی عضو انجمن‌های متعدد عکاسی شد و برنده جایزه‌ای شد که به او اجازه می‌داد در یک کارگاه آموزشی که توسط عکاسانی مثل پاسکال، میشل سمیناکو و ... اداره می‌شد شرکت کند. در همین جا او با فتومونتاژ آشنا شد که اولین منبع الهام وی بود. از آن به بعد با





تلاش او برای به عقب
کشاندن زمان شکست
می خورد.



آسیاب فراموشی / او چون آسیابانی است که می کوشد و
می کوشد. اما هر چه کوشیده است را به دست خود از بین
برده است. آیا این عکس به دست فراموشی سپردن گذشته،
اشاره می کند؟



در فراز و نشیب زندگی
آرزوها گم شده‌اند. کمانی
در دست می‌گیرم به
سمت آرزوهایم و تا لحظه
آخر برای هدفم می‌جنگم



استفاده از «خود» به عنوان «استندآپ»
شخصیتی جهانی را خلق کرد که هنوز
ماندگار است.

گارسن در خانه روستایی خود میز
کوچکی دارد که روی آن را با شن
پوشانده است. نقش اول عکس‌های او
خودش است. از خودش در لباس‌های
معمولی عکس می‌گیرد، عکس را چاپ
و با قیچی دورگیری می‌کند. سپس با
اشیای دم‌دستی و عکس‌های دوربری
شده خود و نورپردازی با یک چراغ
مطالعه، جهانی جادویی خلق می‌کند.
جهانی که مفاهیم فلسفی را بیان
می‌کند و بیننده را به پرسش وامی‌دارد.
در فتومونتاژهای او که بدون کمک
فتوشاپ خلق شده است، چهره او
تنها، کمی شلخته و اندکی حواس‌پرت
به نظر می‌آید. بدین ترتیب شخصیتی
متولد شد که به آقای G معروف است.
بعدها همسر او نقش دوم حاضر در
صحنه شد. صحنه‌ای با بازیگری این
زوج هنرمند و پرسش‌هایی فلسفی
درباره انسان و جهان. شاید گارسن دیر
شروع کرده باشد اما شکل بیان ممتاز
و منحصر به فرد خود را پیدا کرده است.
در طول بیست سال، گارسن در
نمایشگاه‌های زیادی شرکت کرده و
آثار او در بسیاری از کشورهای جهان به
نمایش درآمده است. همچنین چندین
جلد کتاب حاصل تلاش‌های بی‌وقفه او
در زمینه فتومونتاژ است.

در اینجا با تعدادی از آثارش آشنا
می‌شوید

